رسانه

سه‌شنبه :: ۲۲ مهر ۱۳۹۹ :: شماره ۵۷۷۹

جام جم ۵

رمزگشایی از گزارش نامبئو نشان می‌دهد آمریکا صلاحیت ایجاد امنیت در کشورهای دیگر را ندارد

صادرات ناامنی به جهان

آمارها نشان می‌دهد میزان جرم و جنایت در آمریکا از بسیاری از کشورهای دنیا بیشتر است/ عکس: AFP

۸

ببینید و بشنوید

شبکه یک

۱۲:۲۰	سیمای خانواده
۱۸:۱۰	تشرف
۲۲:۱۵	مجموعه «ایلدا»

شبکه دو

۷	نقاشی در طبیعت
۱۰:۱۵	برنامه کودک و خردسال
۱۹	مکث
۱۹:۳۰	میخچه
۲۱:۳۰	سریال «بوم و بانو»
۲۳:۳۰	مسابقه ایرانیش

شبکه سه

۱۰:۵۰	طبیب
۱۹:۲۵	بدون‌توقف: بررسی موضوعات اجتماعی و فرهنگی با حضور کارشناسان حوزه‌های مختلف.
۲۰:۴۵	مجموعه «نجلا»

شبکه چهار

۹	طلوع
۱۰:۱۵	مدرسه تلویزیونی ایران
۱۴	کتاب‌باز
۱۷	حکایت دل (بانوی فلسفه و اخلاق)
۱۹	چرخ: مجله علمی عصرگاهی که به مهم‌ترین رویدادهای قلمرودانش‌وفناوری بانگاهی تخصصی اما به زبانی ساده و قابل استفاده عموم مردم می‌پردازد و در حضور نخبگان و استادان ممتاز عرصه دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، مسائل روزمره زندگی مردم را از زاویه علم واکاوی می‌کند.
۲۱	مدرسه ایران
۲۳	سوره، فصل محمدرسول‌ا...(ص)

شبکه پنج

۷	یه روز تازه
۱۳:۲۵	شکلات تلخ
۱۶:۴۵	به خانه برمی‌گردیم
۱۹:۰۵	سریال «هشدار برای کبری ۱۱»
۲۰	تهران ۲۰
۲۰:۵۵	مستند ۵
۲۱:۲۵	موکب کلمات
۲۲:۰۵	فیلم سینمایی «رنگ خدا»

شبکه آموزش

۷:۰۵	هفت رنگ
۹:۲۰	صبحی دیگر
۱۰:۳۰	مدرسه تلویزیونی ایران (ابتدایی)
۱۳:۴۵	دکتر سلام
۱۴:۳۰	مدرسه تلویزیونی ایران (متوسط اول)
۱۶:۰۵	مدرسه تلویزیونی ایران (متوسط دو)
۱۸:۴۵	کارنامه ۲۰
۲۱:۴۵	به وقت ایران: این برنامه با رویکرد مهارتی و با ساختار گفت‌وگومحور به صورت مناظره‌ای زنده با حضور کارشناسان حوزه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و دانشگاهی روی آنتن می‌رود.

شبکه قرآن

۶	ترتیل نیم جزء قرآن کریم
۱۱	مدرسه تلویزیونی ایران
۱۷	آستان مهربانی
۲۲	مصباح
۲۳:۳۰	ویژه‌برنامه دهه پایانی ماه صفر

شبکه‌های رادیویی

۷	قرآن/ مجله صبحگاهی تسنیم
۹	ایران/ خانه و خانواده
۱۲	گفت‌وگو / رویداد
۱۳:۰۵	معارف/ پیام ولایت
۱۶:۰۵	اربعین/ یك جهان ارادت
۱۹:۳۰	فرهنگ/ هفت اقلیم

این چند نفر

تدارک داریوش یاری برای سریال جدید و نقد رضا صائمی درباره سریال «بوم و بانو» و گفت و گو با رابعه مدنی مادربزرگ مهربان و دوست داشتنی سریال «وضعیت سفید» بخش «این چند نفر» امروز را تشکیل داده‌اند:

حال خوب مردم با سریال قرآنی

داریوش یاری قرار است سریال قرآنی برای ماه رمضان ۱۴۰۰ بسازد؛ او اعتقاد دارد که در شرایط امروز با اثر قرآنی هم می‌توان حال مردم را خوب کرد. وی در گفت و گو با تسنیم درباره جزئیات بیشتر این سریال قرآنی می‌گوید: در کنار پروانه‌ها را از طریق یکی از تهیه‌کنندگان کاربلد به تلویزیون داده‌ام که فضای قرآنی و رمضانی دارد. مخاطب با فضایی شبیه فیلم حبیب مواجه می‌شود. اگر فرآیند تصویب فیلمنامه به خوبی پیش رود هرچه زودتر پیش‌تولید و مراحل تولید را آغاز خواهیم کرد که سریال به رمضان ۱۴۰۰ تلویزیون برسد. اگر شرایط فراهم نشود و کار به تعویق و تأخیر بیفتد باید برای رمضان سال بعدی برنامه‌ریزی کرد. کار خوبی خواهد شد امیدوارم این موافقیت صورت بگیرد با توجه به درایتی که از تهیه‌کننده کار سراغ دارم به سرعت می‌توانیم وارد ساخت این سریال تلویزیونی شویم و کار به رمضان ۱۴۰۰ خواهد رسید. البته فعلا نمی‌توانم درباره جزئیات این سریال صحبت کنم اما بحث حکمت و اخلاق در جامعه‌ایرانی را در این سریال خواهید دید. درست است که فضای کرونایی و گرفتاری‌های اقتصادی باعث می‌شود که مدیران تلویزیون به سمت کارهای طنز و شادی‌آفرین بروند اما من اعتقاد دارم با فیلم قرآنی مؤثر و خوب هم می‌توان حال مردم را خوب کرد. مخصوصا این‌که قصد داریم این کار را برای ماه رمضان بسازیم که همه قلب‌ها آماده معنویت است.

مادر بزرگ مهربان سریال‌های تلویزیونی

این روزها سریال وضعیت سفید روی آنتن شبکه‌آی فیلم ۲ است و برای مخاطبان فارسی زبان تاجیک و افغان این کانال پخش می‌شود. به همین بهانه باشگاه خبرنگاران جوان گفت و گویی را با رابعه مدنی داشته‌است. او درباره نقشی که در این سریال بازی کرده می‌گوید: من در سریال وضعیت سفید خودم بودم. اگر دقت کرده باشید می‌بینید که حتی گریم هم نداشتم. آقای نعمت‌ا... روز اول گفت دیالوگ‌ها را آن‌طور که خودت دوست داری ادا کن. از آن طرف، کارگردانانی را هم داریم که نمی‌خواهند حتی یک واو جا به جا شود. من در آن شرایط کلافه می‌شوم. به آقای نعمت‌ا... گفتم لهجه من همدانی است، البته می‌توانم تهرانی هم صحبت کنم، اما در آن صورت باید حواسم را به لهجه بدهم و کارم را خراب می‌کنم. ایشان گفت ما تهرانی زیاد داریم، اما همدانی نداریم. احساس می‌کردم آن باغ، خانه خودم است و بازیگران هم فرزندان واقعی هستند. احساس بیگانگی با هیچ‌کس نداشتم. من ۳۰ سال معلم بودم. وقتی سر کلاس می‌رفتم دانش آموزان، بچه هایم بودند نه شاگردانم. عشق می‌کردم که با اسم کوچک صدایشان می‌زدم. دانش آموزانم پیشرفت‌های خیلی خوبی هم داشتند. وقتی بازیگر با عشق جلوی دوربین می‌رود، می‌تواند جوابگوی نقشش باشد.

وی ادامه می‌دهد: من ۳۰ سال معلم بودم. شب که می‌خواستم بخوابم نه تنها لباس هایم آماده بود که با خودم فکر می‌کردم فردا فلان درس را چگونه به بچه‌ها بگویم که در ذهن شان بماند. خدا را شکر، سر صحنه سریال وضعیت سفید خیلی راحت بودم. یاد گرفته‌ام که خودم را با شرایط وفق بدهم. یک روز آقای نعمت‌ا... به من گفت شما وقتی وارد باغ می‌شوی با خودت یک دنیا انرژی می‌آوری. بعضی از بازیگران جوان گاهی به خاطر شرایط غر می‌زنند، اما حتی یک بار نشده که شما گلایه کنی.

آن سکانس را به یاد دارید که وقتی من خون‌دماغ شدم امیر چه حالی شد؟ امیر خودش می‌داند که مادربزرگش چقدر دوستش دارد. محبت مادربزرگ همیشه در خاطر بچه‌ها می‌ماند. جالب است برایتان بگویم در سکانسی که احمد (داماد خانواده) با بازی سیدجواد هاشمی از جبهه برمی گردد قرار بود من به عنوان مادربزرگ او را بغل کنم. یک پسری در گروه تدارکات بود که هم‌قد و هم‌هیکل من بود. چادر مرا سر این پسر کردند و رفت و هاشمی را بغل کرد (می‌خندد). عوامل سریال وضعیت سفید خیلی خوب و حرفه‌ای بودند.

شباهت مولفه‌های «بوم و بانو» با «شب دهم»

رضا صائمی منتقد سینما و تلویزیون درباره سریال بوم و بانو که از شبکه دوی سیما در حال پخش است در این باره به فارس گفت: با دیدن چند قسمت اول سریال بوم و بانو تشابه کار با شب دهم به لحاظ دوره تاریخی و روایت تعزیه به ذهن متبادر می‌شود. سریال‌هایی مانند کلاه پهلوی، کیف انگلیسی، شب دهم و بوم و بانو به دوران پهلوی اول می‌پردازند اما سریال بوم و بانو مولفه‌های مشترک زیادی با شب دهم دارد زیرا بحث ممنوعیت عزاداری و تعزیه را در بستر عاشقانه‌ای سیاسی در برهه تاریخ پهلوی اول روایت می‌کند.

در این سریال به موازات روایت عاشقانه تقابل و تضاد سنت و مدرنیته را که در دوران پهلوی اول تجربه شد، برجسته می‌کند. البته این مولفه را در کیف انگلیسی هم داشتیم اما در سریال بوم و بانو برجسته است؛ این‌که در پس قصه عاشقانه در بستر یک موقعیت تاریخی معاصر مواجهه تقابل مدرنیته و سنت را شاهدیم. اساسا وقتی درام‌های عاشقانه با تاریخ ترکیب می‌شود کارهای جذابی از آب در می‌آید اما فکر می‌کنم در این حوزه به سمت تکرار می‌رویم؛ زیرا نمونه‌هایی ساخته شده و دیگر برای مخاطب جذابیتی ندارد. همان طور که پیشتر گفتم شاید تنها چیزی که برای من در سریال بوم و بانو جذاب است مواجهه سنت و مدرنیته است زیرا اولین شکاف سنت و مدرنیته که همچنان هم ادامه دارد در پهلوی اول رخ داد و نقطه شروع و عطف این مهم در آن دوره نمایان شد.

سریال شروع بسیار خوبی دارد و با اتفاق ملتهبی شروع می‌شود. تعلیق را در ابتدای کار قرار داده است اما جلوتر که می‌رویم ریتم کند می‌شود و اتفاق تازه‌ای نمی‌افتد. تزریق اتفاق تازه که ریتم را در کل اثر حفظ کند، دیده نمی‌شود تا بتواند تعلیق بیرونی را حفظ کند اما تعلیق درونی در سریال (رابطه عاشقانه دختر سرهنگ و نقاش) هست. اما همان طور که پیش‌تر گفتم به دلیل وجود سریال شب دهم و مولفه‌های مشترک (دوره تاریخی، ممنوعیت تعزیه و عاشقانه روایت شده) مخاطب را در مقام مقایسه قرار می‌دهد و به همین دلیل کمتر علاقه‌ای برای دنبال کردن آن خواهد داشت. در حالی که اگر به صورت مستقل به اثر نگاه کنیم و به دور از هر مقایسه‌ای کار ارزشمندی است و در حوزه‌های طراحی صحنه و لباس برای آن زحمت کشیده شده‌است. این منتقد سینما و تلویزیون تاکید کرد: بوم و بانو به عنوان اثر مستقل ایده خیلی خوبی است اما در اجرا خیلی جان‌دار نیست. می‌توانست جذابیت بیشتری داشته باشد؛ اگر پیش‌تر سریالی با این همه مولفه مشترک ساخته نمی‌شد. مخاطب از این فضا خاطره دارد و نمی‌تواند به صورت مستقل به اثر نگاه کند. بوم و بانو کار آبرومندی است اما چون به لحاظ مضمون و برهه تاریخی و عاشقانه سیاسی جزو کارهای بازتولید شده است همچنین قصه کشش لازم را در ادامه ندارد چندان موفق نبوده است. ایده خوبی است که به لحاظ ریتم شروع خوبی دارد اما وفادار به این شروع خوب نیست و دچار رخوت و کندی می‌شود. تکرار فضای تاریخی و قیاس آن توسط مخاطب با شب دهم ضعف بزرگی است. قصه عاشقانه و سیاسی در حوزه سینما و تلویزیون زیاد داشتیم، ملودرام‌های سیاسی - اجتماعی در میان مخاطبان جواب داده و مبتنی بر روان‌شناسی مخاطب ایرانی است اما این که دقیقا ممنوعیت تعزیه در آن برهه زمانی رفته ضربه بزرگی بوده که امکان مقایسه را فراهم کرده و از این مقایسه بوم و بانو موفق بیرون نمی‌آید.

یادداشت:
شمسی فضل‌اللهی
بازیگر

فضای متنوع را تجربه کنیم

رفتار تولیدکنندگان محتواهای تلویزیون نسبت به مردم است که اسباب احترام مخاطب را موجب می‌شود. مخاطب باید احترام ببیند تا همچنان پایبند رسانه بماند وگرنه مخاطبی که یک بار بی‌اهمیتی به خواسته‌های خود را در رسانه ملی ببیند و اعتراض کند و باز مجددا شاهد بی‌توجهی به خواسته‌های خود باشد، یقینا قید رسانه را می‌زند.

الان اگر بر میزان محتواهای ارائه شده در شبکه‌هایی مانند آی‌فیلم و تماشا که بازپخش سریال‌های ماندگار قدیمی است تمرکز کنیم، می‌بینیم گاهی میزان مخاطبان آنها به‌مراتب بیشتر از بسیاری سریال‌های تازه تولید شده است.

دلیل اقبال مردم به سریال‌های قدیمی همان حرمت‌گذاری سازندگان به مخاطبان است یعنی کارگردان و تهیه‌کننده می‌دیدند مخاطب چه دوست دارد و چه دغدغه‌ای دارد و سپس براساس آن دغدغه به طرح سناریو و تولید می‌پرداختند.

سریال‌های قدیمی حتی اگر در زمان خود تیم تولید شناخته‌شده‌ای نداشتند باز چون حرفه‌ای‌ها را به خدمت می‌گرفتند به محصولات مطلوب تمام ادوار بدل می‌شدند ولی در سریال های متاخر همه‌چیز را فدای تولید می‌کنند.

به هر قیمتی می‌خواهند سریال را بسازند و در این میان حتی برایشان مهم نیست سریال‌نویسی پیدا شده و هرچه می‌نویسد شبیه هم است و باز به او کار می‌دهند. این اتفاق درستی نیست چون مخاطب را زده می‌کند. مخاطب دلش می‌خواهد فضاهای متنوعی را تجربه کند و این‌که نویسنده‌ای حتی دیالوگ‌هایش شبیه هم است مخاطب را گریزان می‌کند.

سریال‌های ماندگار تلویزیونی را که از خارج نخریده‌اند. این سریال‌ها در داخل و با توان داخلی تولید شده و در تولید کاملا بومی بوده‌اند و فقط چون با اشراف به موضوع تولید شده‌اند و توسط افرادی که کار خود را بلد بوده‌اند در نتیجه حاصل کار ایده‌آل شده است.

تولیدکنندگان سریال‌های روزگار ما هیچ الگویی که نداشته باشند باید به سریال‌های ماندگار رسانه ملی به عنوان الگویی برای تولید نگاه کنند و حداقل یادشان نرود که پا جا پای چه اسطوره‌هایی گذاشته‌اند. سریال‌سازی فقط تکنیک نیست و قبل از هر چیز متن می‌خواهد و تا وقتی بر متون اصیل دست نگذارند و حرمت مخاطب را پاس ندارند نتیجه خوبی عاید نخواهد شد.